

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینة ایران

بهرام رحمانی

۱۱/۰۲/۱۷

جمهوری جهل و جنایت و غارت و دروغ اسلامی!

بار دیگر تیتروهای نخست مهم ترین رسانه های دنیا، توجه افکار عمومی مردم جهان را به وقایع ایران جلب کردند و موجی از موضع گیری دولت ها و حمایت های نهادهای بین المللی مدافع حقوق انسان ها از مبارزات به حق و عادلانه مردم ایران را به بار آوردند.

مردمانی که در حاکمیت دیکتاتورها، در شرایط سخت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به سر می برند، همواره از هر فرصت و روزنه ای برای بیان اعتراض و خشم خود استفاده می کنند.

اکنون موجی از انقلابات و تحولات از کشورهای افریقائی - عربی و هم چنین ایران در جریان است رعب و وحشت بی سابقه ای سران و مقامات و مسئولین کشور های منطقه را فرا گرفته است. فعلا بن علی رئیس جمهوری تونس و حسنی مبارک رئیس جمهوری مصر با قدرت مبارزات مردمی برکنار شده اند. شاید نفر سوم، نوبت سیدعلی سردسته جمهوری جهل و جنایت و غارت و دروغ اسلامی باشد!

در چنین شرایطی، اعتراضات مردمی روز دوشنبه ۲۵ دلو [بهمن] ۱۳۸۹ که از تهران آغاز گردید، روز سه شنبه و چهارشنبه ۲۶ و ۲۷ بهمن نیز به صورت پراکنده ادامه دارد. به نظر می رسد که روزه روز اعتراضات مردمی در تهران و شهرهای دیگر کشور، گسترده تر خواهد شد.

در جریان اعتراضات دوشنبه ۲۵ بهمن ماه در تهران، دست کم دو نفر به ضرب گلوله نیروهای امنیتی حکومت جان خود را از دست داده اند، بیش از ۱۵۰۰ نفر دستگیر و روانه شکنجه گاه ها شده اند.

خبرگزاری فارس که یک ارگان امنیتی وابسته به حکومت اسلامی، با هدف منحرف کردن افکار عمومی، درباره اعتراضات مردمی ۲۵ بهمن نوشته است: «تجمع غیرقانونی فتنه گران، عناصر منافقین، سلطنت طلبان و اراذل و اوباش در برخی خیابان های شهر تهران در روز ۲۵ بهمن موجب بروز اغتشاشاتی شد که با حضور به هنگام مردم، فتنه گران و دیگر عوامل مزدور مجبور به ترك صحنه شدند.»

صانع ژاله، اهل پاوه و دانش جوی دانشکده هنر تهران، توسط نیروهای حکومتی به قتل رسید و «محمد مختاری» متولد ۱۳۶۸ فرزند اسماعیل نیز بر اثر اصابت گلوله جان خود را از دست داد.

به گزارش خبرگزاری حکومتی فارس، «پیکر شهید محمد مختاری از دیگر کشته شدگان حوادث اخیر به دست عوامل منافقین، لحظاتی پیش در دستان جمعی از مردم انقلابی کشورمان از مقابل منزل این شهید واقع در شرق تهران تشییع شد.»

به اساس گزارش خبرگزاری ها، مراسم تشییع جنازه صانع ژاله، بامداد روز چهارشنبه ۲۷ بهمن به خشونت کشیده شد. این مراسم ساعت ۹ و نیم صبح روز چهارشنبه از مقابل دانشگاه هنر واقع در چهارراه ولیعصر تهران برگزار شد. دانش جویان دانشگاه هنر که برای تشییع جنازه صانع ژاله به دانشگاه رفته بودند با حمله لباس شخصی ها، پس از درگیری های فیزیکی، در آملی تئاتر این دانشگاه تجمع کردند.

اوباشان و شعبان بی مخ های حکومتی، تجمعات مختلفی برگزار می کنند و برای زهر چشم گرفتن از مردم معترض، عریبه اعدام کنید و اعدام کنید سر می دهند. در این میان، حضور مأموران امنیتی در محوطه دانشگاه هنر برای جلوگیری از گسترش تجمع دانش جویان در تشییع جنازه صانع ژاله چشم گیر بود.

سایت اینترنتی کلمه، نزدیک به میرحسین موسوی، از محبوس شدن شماری از استادان دانشگاه هنر به همراه دانش جویان در یکی از سالن های دانشگاه هنر خبر می دهد و می نویسد که «کوچک ترین تحرک دانش جویان و دوستان شهید ژاله با تهدید اسلحه و توهین و در مواردی ضرب و شتم از سوی لباس شخصی ها روبرو می شود.» گفته می شود، سردار علی فضلی و سردار همدانی، فرماندهان بسیج و سپاه، «در محوطه دانشگاه حضور یافته و در حال هدایت نیروهای خود بودند.» هم چنین، حسین الله کرم، رئیس شورای هماهنگی نیروهای حزب الله نیز با بلندگو در محوطه دانشگاه «به توهین و فحاشی و شعاردهی علیه مخالفین و منتقدین پرداخته است.

تشییع جنازه صانع ژاله، با کامیون و تحت حراست نیروهای نظامی و انتظامی از چهارراه ولیعصر به سمت دانشگاه تهران انجام شد و در این مسیر لباس شخصی ها و نیروهای امنیتی و انتظامی با خشونت برخورد می کردند.

در حالی که رسانه های رسمی حکومت اسلامی، برای انحراف افکار عمومی از جنایات نیروهای سرکوبگر حکومتی، از صانع ژاله به عنوان «شهید» و «بسیجی» یاد می کنند، سایت خبری دانش جونیوز، داستان کوتاه «اتوبوس»، نوشته صانع ژاله، که در شماره ۳۷ نشریه «آزما» به چاپ رسیده است از نظر نهادهای امنیتی وابسته به سپاه پاسداران در گروه نشریاتی قرار دارد که «در راستای اهداف جنگ نرم فعالیت می کنند.»

کمیته دانش جوئی دفاع از زندانیان سیاسی، چهارشنبه ۲۷ بهمن ماه نوشت، هم زمان با برگزاری تظاهرات اعتراض آمیز مردم که در ۲۵ بهمن صورت گرفت، برخوردهای خشن و بازداشت های گسترده ای از سوی نیروهای امنیتی و انتظامی مشاهده شد.

به گزارش کمیته دانش جوئی دفاع از زندانیان سیاسی، نیروهای ضدشورش با حضور گسترده در خیابان های تهران و اعمال خشونت مانع از تمرکز مردم و پیوستن آن ها به مسیر تعیین شده برای تظاهرات شدند. برخوردها عمده عبارت بودند از ضرب و شتم معترضین به وسیله باتوم، پرتاب گاز اشک آور، حمله نیروهای لباس شخصی و بازداشت عده ای از مردم و در نقاطی از شهر تهران هم شلیک گلوله.

صدها نفر در جریان اعتراضات مردمی روز گذشته توسط نیروهای امنیتی و انتظامی حکومت اسلامی در خیابان ها بازداشت شده اند، که بنا بر آخرین گزارش ها ساعاتی پیش قریب سی تن از این بازداشت شدگان آزاد شدند. برخی گزارش ها تعداد بازداشت شدگان را تا ۱۵۰۰ تن اعلام کرده اند که از صحت آن اطلاعی در دست نمی باشد.

تعدادی از فعالان سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و روزنامه نگاران پیش از شکل گیری تظاهرات مردمی در ۲۵ بهمن دستگیر شده و تعداد دیگری از فعالان سیاسی و دانش جوئی هم بعد از شکل گیری اعتراضات توسط نیروهای امنیتی دستگیر شدند.

هم چنین گزارش رسانه های خبری وابسته به دولت نیز از بازداشت یک دیپلمات اسپانیایی و یکی از کارمندان محلی سفارت ژاپن در جریان ناآرامی های روز دوشنبه در تهران حکایت دارد.

دفتر پاسدار احمدی نژاد نیز ضمن محکوم کردن اتفاقات روز دوشنبه، طی بیانیه ای نوشته است: «دشمنان ایران اسلامی در برابر اقیانوس بیکران ملت قطره ای بیش نیستند و بدانند که ایران عرصه سیمرخ است.»

سران حکومت اسلامی ایران که پس از کشتارهای خونین سال ۸۸ و دستگیری ۱۰ ها هزار نفری و اعدام های گروهی و تهدید روزمره مردم، از تظاهرات ۲۵ بهمن، سخت دچار شوکه شده اند به طوری که حتی نمایندگان مجلس نیز در داخل مجلس دست به راه پیمائی زدند و عبا و عمامه هایشان را کردند، پا بر زمین و مشت بر روی میز هایشان کوبیدند، چنگ به سر و صورت و موهای خود انداختند، عربده کشیدند و خواهان اعدام «سران فتنه» شوند.

علی لاریجانی، رئیس مجلس ارتجاع، در آغاز نشست علنی روز سه شنبه ۲۶ بهمن ماه روسای کمیسیون های امنیت ملی و سیاست خارجی، شوراها و امور داخلی کشور، اصل نودم قانون اساسی، فرهنگی و قضائی و حقوقی را مأمور تشکیل کمیته ای برای بررسی ماهیت گروهی افراد ضدانقلاب در کشور کرد.

لاریجانی، از اعضای این کمیته خواست ابعاد گوناگون ماهیت افراد ضدانقلاب را بررسی و گزارشی از نتایج بررسی های خود به مجلس ارایه دهند تا نمایندگان بدانند با این جریان چگونه برخورد کنند.

سخن گوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس به نقل از وزیر کشور از کشته شدن دو تن در جریان ناآرامی های ۲۵ بهمن خبر داده است، این در حالی است که جزئیات بیش تری در خصوص صانع ژاله، یکی از جان باختگان روز ۲۵ بهمن تهران، انتشار یافته و هویت دومین کشته حوادث روز گذشته محمد مختاری ۲۲ ساله فرزند اسماعیل اعلام شده است. خبرگزاری حکومتی فارس می گوید محمد مختاری پس از تیر خوردن به بیمارستان منتقل شده بود و روز سه شنبه در گذشته است.

در همین زمینه، کاظم جلالی، سخن گوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی گفت: در جلسه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، محمد نجار وزیر کشور و معاونین وی حضور یافتند و وزیر کشور از کشته شدن دو تن در ماجرای روز ۲۵ بهمن خبر داد.

سخن گوی قوه قضائیه نیز ادعا کرده است که عده ای از افراد «مجرم» و هم چنین تعدادی از «منافقین» در رابطه با تجمعات ۲۵ بهمن بازداشت شده اند و بازداشت ها هم چنان ادامه دارد.

غلامحسین محسنی اژه ای، روز چهارشنبه ۲۷ بهمن، با اشاره به این که در مورد افراد بازداشت شده نمی توان به رقم دقیقی اشاره کرد، گفت: «از افرادی که دستگیر شده اند عده ای عصر و آخر شب همان روز و روز گذشته آزاد شده اند. افراد مجرم نیز بازداشت شده و می شوند و قطعاً به کیفر خواهند رسید.»

محسنی اژه ای، هم چنین ادعا کرد که در تجمعات ۲۵ بهمن «در میان افراد آشوب گر و مخل امنیت افراد مسلحی حضور داشتند و تیراندازی کردند.»

روز سه شنبه نیز احمدرضا رادان، جانشین فرمانده نیروی انتظامی تنها به اعلام خبر دستگیری عده ای از افراد در روز ۲۵ بهمن اکتفاء کرد و افزود که در روزهای آتی قوه قضائی اطلاعات بیش تری در این زمینه خواهد داد.

در همین حال، خبرگزاری های حکومت اسلامی روز سه شنبه با سناریوسازی، یکی از کشته شدگان تجمعات ۲۵ بهمن در تهران را صانع ژاله، دانش جوی هنر و از کردزبانان اهل تسنن شهرستان پاوه معرفی کرده و افزوده اند که فرد مزبور از اعضای بسیج دانش جوئی بوده است.

در همین زمینه خبرگزاری حکومتی - امنیتی «فارس»، ضمن انتشار تصویری منتسب به صانع ژاله، تصویری نیز از کارت عضویت در بسیجی را منتشر کرده است که نام صانع ژاله به عنوان دارنده این کارت بر روی آن درج شده است.

این در حالی است که پایگاه اطلاع رسانی حزب اعتماد ملی «سحام نیوز»، روز سه شنبه تصویر دیگری را منتسب به صانع ژاله منتشر کرده که در این تصویر فرد مزبور به همراه جمعی از جوانان در کنار آیت الله منتظری ایستاده است. این وب سایت عضویت آقای ژاله در بسیج دانش جوئی را تکذیب کرده است. این وب سایت نزدیک به مهدی کروی، هم چنین در واکنش به اظهارات خبرگزاری ها در مورد عضویت ژاله در بسیج دانش جوئی، «جریان رسانه ای وابسته به اقتدارگرایان» و به ویژه خبرگزاری فارس را به «استفاده ابزاری» صانع ژاله متهم کرده و تأکید کرده است که پیش تر نیز این خبرگزاری «چند تن از شهدای جنبش سبز را با ترتیب دادن مصاحبه ای دروغین»، بسیجی خوانده که بعدها مشخص شد که این افراد عضو بسیج نبوده اند.

در عین حال شبکه خبری الجزیره نیز که یکی از خبرنگارانش روز ۲۵ بهمن به صورت زنده از تهران گزارش می داد اعلام کرده است که یک نفر از معترضان در درگیری با نیروی انتظامی در تهران جان باخته است.

خبرگزاری های جمهوری اسلامی، هم چنین مزورانه اعلام کرده اند که پیکر ژاله روز چهارشنبه در ساعت ۹ و نیم صبح از مقابل سر در دانشگاه هنر تهران تشییع خواهد شد.

در پی جان باختن صانع ژاله، اهل پاوه و دانش جوی دانشکده هنر تهران که توسط نیروهای حکومتی به قتل رسید، دانش جویان این دانشکده ضمن برگزاری تجمع اعتراضی خواهان محاکمه عوامل واقعی این جنایت شدند. هم چنین خانواده وی برای انجام مصاحبه با رسانه های حکومتی و بیان خواست های حکومت در صدا و سیما تحت فشار زیادی قرار گرفته اند. پیکر صانع ژاله، روز چهارشنبه ۲۷ بهمن ماه جهت تدفین به شهر پاوه منتقل گردید. از سوی دیگر گروه های دانشجویی برای تشییع جنازه وی در روز چهارشنبه ۲۷ بهمن ماه ساعت ۹ صبح از جلوی دانشگاه هنر، خیابان ولیعصر جنب دانشگاه امیرکبیر تجمع کرده اند.

گزارش خبرگزاری هرات، دانش جویان دانشکده های مختلف دانشگاه هنر و تهران از جمله دانش جویان دانشکده سینما تئاتر در اعتراض به قتل یکی از هم کلاسی هایشان دست به تجمع زدند.

دانش جویان در اعتراض به قتل صانع ژاله، به دست نیروهای امنیتی حکومت اسلامی، در روز دوشنبه ۲۵ بهمن ماه، ضمن تعطیل کردن کلاس های خود در محل دانشکده علمی - کاربردی تجمع کردند و به خواندن سرود و سر دادن شعار پرداختند. به اساس تماس های تلفونی مستقیم مردم با رادیو فردا، نیروهای سرکوبگر از صبح روز چهارشنبه این دانشکده را به محاصره خود در آورده اند تا از اعتراضات دانش جویان و کشیده شده آن به خیابان های اطراف جلوگیری کنند.

شورای مدیریتی انجمن قلم کردستان ایران، ۲۶ بهمن ۱۳۸۹، با صدور اطلاعیه ای خبر داده است که ژاله صانع، عضو این انجمن بوده است. در این اطلاعیه آمده است وی که روز ۲۵ بهمن ماه ۱۳۸۹ در حمایت از مردم مصر و تونس، در راهپیمائی مسالمت آمیز بدین مناسبت شرکت نموده بود، در جریان ناآرامی ها در تهران، مورد

اصابت گلوله قرار گرفت و پس از چند ساعت دست و پنجه نرم کردن با مرگ، در سن ۲۶ سالگی جان خود را از دست داد.

طبق این اطلاعیه، صانع ژاله، سال ۱۳۶۳ در شهرستان پاوه در استان کرمانشاه متولد شد. تحصیلات ابتدائی تا مقطع دبیرستان را در همان شهر به پایان رسانید، و پس از آن توانست با پذیرش در رشته نمایش، در دانشکده هنر دانشگاه تهران به تحصیل ادامه بدهد. وی هم چنین در زمینه های فرهنگی، دانش جوئی و مدنی فعال بود. صانع کار ادبی خود را با نوشتن داستان شروع کرد.

روز سه شنبه و چهارشنبه، نیروهای امنیتی و پولیس ضدشورش در خیابان های تخت طاووس، ستارخان، میدان ولیعصر، هفت تیر، انقلاب و بخش هائی از میدان فردوسی مستقر شدند. در میدان هفت تیر، بین مردم و نیروهای امنیتی درگیری رخ داد و عده ای دستگیر شدند. گزارش های رسیده حاکی است که در مناطقی از تجمعات هزاران نفر از مردم شرکت داشته و با نیروهای سرکوبگر حکومتی به مقابله پرداخته اند. در حالی است که موسوی و کربوبی تأکید کرده بودند که در تظاهرات ۲۵ بهمن هیچ شعاری «شعارهای ساختارشکن» داده نشود، اما تجمع کنندگان، تظاهرات خود را با شعارهائی نظیر «بعد از بن علی نوبت خامنه ای است و مرگ بر دیکتاتور»، «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، «مرگ بر دیکتاتور» و... آغاز کردند و پوستر خامنه ای را در وسط خیابان زیر پای خود انداختند و سپس به آتش کشیدند. فضای شهر تهران به شدت ملتهب و امنیتی است.

در خطوط اینترنت و موبایل، اختلال ایجاد شده است و در برخی مناطق هم چنان پارازیت ماهواره ای وجود دارد. سرعت اینترنت آن چنان پایین است که تا به حال سابقه نداشته است. از شهرک اکباتان و برخی دیگر از شهرک های تهران واقع در غرب و شمال شهر خبر می رسد که جوانان قصد دارند شب به خیابان ها بیایند و علیه حکومت تظاهرات کنند. نیروهای سرکوبگر امنیتی، انتظامی، بسیجی و لباس شخصی در واکنش به اعتراضات مردمی به شدیدترین وجه ممکن با استفاده از گاز اشک آور و شلیک گلوله وارد عمل شدند و دو نفر را به ضرب گلوله کشتند و چند تن دیگر را زخمی نمودند.

گزارش شاهدان عینی و خبرنگاران وب لاگ نویسان، از ضرب و شتم شدید مردم در خیابان های تهران، شلیک گاز فلفل، گاز اشک آور و گلوله های ساچمه ای و پیت بال به سوی مردم حکایت دارد.

در سایت های انترنتی آمده است که نیروهای نظامی علاوه بر اسلحه مخصوص شلیک گاز اشک آور، دو مدل اسلحه دیگر هم داشتند، یکی ساچمه ای بود که می زدند و طرف می افتاد بعد با باتوم به جان او می افتادند و یکی هم اسلحه شلیک توپ های پینت بال بود که هم رنگی است و هم درد شدیدی دارد.

فیلمی که در یوتیوب منتشر شده جوانی را نشان می دهد که از ناحیه پا زخمی شده و روی زمین افتاده است. ویدئوهای مختلف از تهران، نشان می دهند که مردم تا ساعاتی از شب با روشن کردن آتش در خیابان ها حضور داشتند.

در همه ویدئو هائی هم که از تظاهرات مردمی ۲۵ بهمن منتشر شده، مردم علیه آیت الله خامنه ای رهبر حکومت جهل و جنایت اسلامی شعار می دهند؛ تنها در یک ویدئو مردم با تحقیر «محمود خائن آواره گردی» را می خواندند. یعنی شعارها عموماً علیه رهبر و احمدی نژاد بود و نوک قله را نشانه گرفته بودند.

به اساس گزارشات مختلف، لباس شخصی ها اکثراً روی موتور بودند و به صورت دسته ای و گروهی حرکت می کردند. اما نیروی انتظامی در میداين و در کنار نیروهای گارد مستقر بود و بیش تر حمله ها از سوی لباس پلنگی های سپاه و نیروهای سپاه پوش گارد صورت می گرفت.

شاهدان عینی گفته اند که نیروی انتظامی در معابر اصلی و میدان‌ها مستقر شده بودند و گارد سیاهپوش و نیروهائی که لباس پلنگی برتن و نقاب سیاه بر سر داشتند به شدت مردم را مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند. به اساس گزارشات، نقاب سیاه این نیروها، کلاه بافتنی‌های سیاهی بود که فقط دو چشمان آن‌ها را نشان می‌داد.

در حالی که شهرداری تهران با درس‌گیری از تظاهرات سال ۸۸، سطل‌اشغال‌ها عوض کرده و به جای شان سطل‌اشغال آهنی گذاشته است اما با این وجود، مردم سطل‌های زباله بزرگ را آتش زده بودند.

هم‌چنین گفته می‌شود، نیروهای لباس شخصی با لباس‌های مد روز و صورت اصلاح شده در میان مردم حضور داشتند اما خیلی راحت توسط مردم شناسائی می‌شدند.

شایان ذکر است که اعتراضات ۲۵ بهمن ماه به جز تهران در مشهد، شیراز، اصفهان، کرمانشاه و چند شهر دیگر نیز در جریان بود؛ که با دخالت نیروهای امنیتی به خشونت کشیده شد.

یک شاهد عینی از مشهد به یکی از رسانه‌ها گفته است: در مشهد در سطح شهر انگار یک چیزی شبیه حکومت نظامی جریان داشت؛ سکوت بود، اما در سه راه راهنمایی و پارک ملت مردم جمع شده بودند. وقتی جمعیت زیاد می‌شد مردم شعار می‌دادند. این شاهد عینی از بازداشت تعدادی از مردم خبر داده است.

در دانشگاه فردوسی مشهد، در مقابل دانشکده فنی این دانشگاه دانش‌جویان تجمع و شروع به سر دادن شعار کرده بودند اما با حمله نیروهای حراست دانشگاه مواجه و چند تن از دانش‌جویان بازداشت شده‌اند.

در رشت نیز تظاهرات در جریان بود. بنا به گزارشات، مرکز تجمع در این شهر خیابان مطهری بود و مردم شعار می‌دادند: «سید علی، مبارک، پیوندتان مبارک»، «مرگ بر دیکتاتور» و... در منطقه گل‌سار رشت نیز تجمعاتی برگزار شده است.

خبرگزاری هرانا، چهارشنبه، ۲۷ بهمن ماه ۱۳۸۹ برابر با ۱۶ فوریه ۲۰۱۱، خبر داد که بیش از ۳۰۰ شهروند معترض در مشهد، در جریان اعتراضات مردمی ۲۵ بهمن ماه بازداشت شدند.

بنا به اطلاع گزارشگران ارگان خبری مجموع فعالان حقوق بشر در ایران، اکثر بازداشتی‌ها پس از دستگیری به کلانتری ۱۴ واقع در کوی پولیس منتقل شده‌اند و ساعت‌ها مورد بازجویی و ضرب و شتم قرار گرفته‌اند.

بازجویی‌ها به وسیله سرهنگ گنابادی، سروان رضا وظیفه‌دان و بازپرس حیدری تا ساعت ۵ صبح با رفتاری تحقیرآمیز ادامه داشته و پس از آن عده‌ای با اخذ تعهد آزاد شدند.

گفته می‌شود دیگر بازداشت‌شدگان نیز، پس از بستن چشم بند به مکانی نامعلوم منتقل شده‌اند و تاکنون هیچ‌گونه اطلاعی از سرنوشت ایشان در دست نیست. در بین بازداشت‌شدگان امیر شیبانی زاده، دانش‌جوی دانشگاه مشهد نیز حضور داشته است. وی پیش‌تر و در مهر ماه سال جاری توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بود.

موج راه پیمائی مردم معترض در شیراز، بعد از ظهر شروع شد و جمعیتی بالغ بر ۲۰ هزار نفر که خیابان‌های ملاصدرا، نمازی تا فلکه دانش‌جو را پر کرده بود. نیروی انتظامی در این شهر، نقش حاشیه‌ای داشت اما لباس شخصی‌ها با مردم درگیر می‌شدند و به سوی مردم گاز اشک‌آور پرتاب می‌کردند.

وب‌سایت کلمه، گزارش داده است که دانش‌جویان دانشکده مهندسی شماره دو شیراز، روز ۲۵ بهمن، تجمع خود را ساعت ۱۵ و ۳۰ دقیقه در مقابل در اصلی این دانشکده آغاز کردند و سپس به خیابان ملاصدرا وارد شدند و با پیوستن به مردم معترض شیراز در این خیابان، تظاهرات گسترده‌ای را شکل دادند.

دانش‌جویان شعار می‌دادند: «دانش‌جو می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد»، «مرگ بر این دولت مردم‌فریب»، «مرگ بر دیکتاتور» و...

همین گزارش حاکی است با ادامه تظاهرات، گارد یگان ویژه در محل حضور پیدا کرد و اقدام به ضرب و شتم مردم و دانش جویان کرد. این نیروها، هم چنین برای پراکندن مردم اقدام به شلیک هوایی کردند. تظاهرات مردم در ساعت ۱۷ و ۳۰ دقیقه به میدان نمازی رسید.

هزاران نفر از مردم اصفهان، در خیابان انقلاب این شهر و سی و سه پل تجمع اعتراضی بر پا کردند. ماموران امنیتی و انتظامی در یورش مکرر به مردم در اصفهان سعی کردند مردم معترض را پراکنده کنند. این نیروهای سرکوبگر حکومت در حمله به مردم از باتوم و گاز اشک آور استفاده و تعدادی از مردم را نیز مجروح کرده اند. روانپوز، از وجود تدابیر شدید امنیتی در چهار راه ها و میادین اصلی کرمانشاه خبر داده است. شاهدان عینی در کرمانشاه گفته اند شمار زیادی از ماموران یگان ویژه و نیروهای لباس شخصی در محل ساختمان استانداری سابق، واقع در میدان مصدق مستقر شده بودند.

این گزارش می افزاید نیروهای نظامی و انتظامی هم چنین در مسیر خیابان دبیر اعظم تا انتهای چهارراه اجاق در حال تردد بودند.

به این ترتیب، ده ها هزار نفر از مردم ایران و در پیشاپیش همه جوانان دختر و پسر، روز ۲۵ بهمن به خیابان ها آمدند و با شعار «بعد از مبارک، بن علی، نوبت سیدعلی»، «سید علی حیا کن، مبارک رو نگاه کن»، «مرگ بر خامنه ای»، زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، «مرگ بر دیکتاتور»، بار دیگر کاخ های ستم گران و جانیان حاکم بر جامعه ایران را به لرزه درآوردند. شعارهایی که روزها در خیابان ها و شب ها از منازل سر داده می شود. و اینک با حضور مردم معترض در خیابان های تهران و دیگر شهرهای کشور و با درس گیری از تجارب انقلاب ۵۷، خیزش مردمی ۸۸ و هم چنین خیزش مردمی از تونس تا مصر، به اعتراضات خود ادامه خواهند داد. موجی از اعتصابات کارگری و دانش جوئی و دیگر اقتشار مردم آزادی خواه سراسر کشور را فراخواهد گرفت.

از سوی دیگر، نیروی انتظامی آدم کش حکومت اسلامی و خبرگزاری های جمهوری اسلامی، در تکمیل سناریوهای سیاه خود علیه مردم حق طلب و عدالت جو، ادعا کرده اند که صانع ژاله در اثر تیراندازی «مناقین» کشته شده است؛ اصطلاحی که حکومت اسلامی برای نام بردن از اعضای «سازمان مجاهدین خلق» از آن یاد می کند.

شایان ذکر است که سران و سخن گویان حکومت اسلامی، برای منحرف کردن افکار عمومی از واقعیت های جامعه، همواره اعتراضات را به «صهیونیست ها»، «امریکائی ها» و «ضدانقلابیون» نسبت می دهند. اما به قولی دیگر حنای حکومت اسلامی رنگی ندارد و همگان می دانند که سران و مقامات و مسؤولین حکومت اسلامی در همه زمینه ها یک مشت اطلاعات غلط و دروغ تحویل جامعه می دهد.

اما حکومت اسلامی، نیروهائی را «ضدانقلاب» خطاب می کند که انقلاب ۵۷ مردم ایران را با هدف برقراری آزادی، برابری، رفاه و عدالت در جامعه به ثمر رسانده بودند. این نیروها در سراسر ایران با سازمان ها، رسانه ها، تشکل های مردمی شان توسط نیروهای آدم کش و جانی حکومت اسلامی قتل عام شدند و اجبارا به مبارزه زیرزمینی روی آوردند و یا راه تبعید را در پیش گرفتند تا در گوشه دیگری از جهان، به مبارزه خود ادامه دهند. تاکنون ده ها هزار نفر از انقلابیون در زندان های حکومت اسلامی قتل عام شده اند، جوخه مرگ حکومت اسلامی صدها نفر از فعالان سیاسی و فرهنگی را در داخل و خارج کشور ترور کرده اند؛ ملیون ها نفر را نیز از حقوق شهروندی شان محروم نموده و ۳۲ سال است به سرکوب و کشتار و غارت مشغولند. هم اکنون نیز زندانیان های حکومت اسلامی، مملو از فعالان جنبش کارگری، جنبش دانش جوئی، جنبش زنان و نویسندگان، روزنامه نگاران،

وبلاگ نویسان، هنرمندان، وکلای دادگستری و هم چنین مردم محروم و ستم دیده است. بنابراین، روشن است آن نیروهائی که حکومت اسلامی ضدانقلاب می نامد به ویژه نیروهای سکولار، چپ و و سوسیالیست و آزادی خواه با تمام وجود در داخل و خارج کشور برای انقلابی دیگر مبارزه می کنند که هدف اصلی آن، سرنگونی کلیت حکومت سرمایه داری اسلامی و برپائی یک جامعه آزاد و برابر و انسانی و عادلانه است. این گرایشات سیاسی انقلابی و سرنگونی طلب و آگاه، پایگاه ملیونی در درون جنبش های اجتماعی چون جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانش جوئی، جوانان، بی کاران و همه اقشار تحت ستم جامعه ایران دارند. نیروی عظیمی که دیر یا زود حکومت اسلامی را نیز راهی همان گورستان تاریخ خواهند کرد که حکومت شاه را سی و دو سال پیش به آن جا فرستادند؛ اما به دلایل مختلف نتوانستند در مقابل گروه های خشن و سرکوبگر و متجاوز ضدانقلاب ملی - مذهبی، آلترناتیو طبقاتی خود را در جامعه ایران حاکم کنند و سرکوب شدند.

اما اکنون نیروهای دخیل در انقلاب ۵۷ و نیروهای دخیل در خیزش ۸۸ از دختر و پسر و پیر و جوان دست به دست هم داده اند و عزم و اراده راسخ دارند تا هنگامی که حکومت اسلامی را از قدرت به زیر نکشند و مستقیماً بر سرنوشت خویش و جامعه شان حاکم نشوند، هرگز از پای ننشینند.

در حال حاضر بخش عظیمی از کارگران، زنان، دانش جویان، جوانان، بی کاران، روشنفکران، هنرمندان مترقی و به طور کلی مردم عدالت جو و برابری طلب، از کلیت حکومت اسلامی نفرت دارند. از این رو، اکثریت مردم ایران، نه برای اصلاح این حکومت که اصلاح طلبان حکومتی (سبزهای اسلامی) به دنبال آن هستند، بلکه در جهت سرنگونی کلیت حکومت جهل و جنایت و ترور و شکنجه و غارتگر اسلامی گام برمی دارند. اگر در دوره هائی برای اصلاح و بقای حکومت، به ویژه برای جناح اصلاح طلب حکومتی مهیا شده بود اما این جناح نتوانست از آن برای تحکیم موقعیت خود، بهره داری ماندگار بکند اکنون دیگر حتی برای بسیاری از عناصر این گرایش، روشن شده که دوره اصلاح حکومت اسلامی سپری شده است. از این منظر، خواست و مطالبات و شعارهائی که کروی - موسوی مطرح می کنند بسیار عقب تر از خواست های عموم مردم در کوچه و بازار است. بنابراین، سران جناح اصلاح طلب و سبز اسلامی، یا موظفند خود را با مطالبات عمومی مردم هماهنگ سازند و یا این که روزه روز به حاشیه رانده خواهند شد. همان طور که در یک سال گذشته زمین گیر شده اند.

واقعیت های سال ۸۸ و ۲۵ بهمن ۸۹، نشان دادند که توصیه کروی، موسوی و ...، مبنی بر این که مردم معترض در خیابان ها «شعارهای ساختار شکن» ندهند، رنگ باخته است. دیگر آرمان های امام شان خمینی و به ویژه اهداف و ستراتیژی حکومت اسلامی و تا حدودی خود اسلام در ایران، به بن بست رسیده و کلیت حکومت اسلامی در سراسری فروپاشی و سقوط قرار گرفته است.

در چنین شرایطی، طبیعی ست که این اعتراضات مداوم و سراسری شود تا بخش های دیگری از مردم جذب این تظاهرات شوند و هم چنین حمایت ها و همبستگی های بین المللی نیز از مبارزات آزادی خواهانه مردم ایران، بی وقفه تداوم پیدا کند. بنابراین، به هیچ وجه اعتراضات مردمی در این سطح باقی نمانده و به مرحله بالاتر و عالی تری ارتقاء پیدا خواهد کرد.

چهارشنبه بیست و هفتم بهمن ۱۳۸۹ - شانزدهم فوریه ۲۰۱۱